

آنها که از جهانی شدن زیان دیده اند

فاطمه پاسبان

عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد کشاورزی



- Globalization and the Developing Countries: Emerging Strategies for Rural Development and Poverty Alleviation
- David Bigman (ed).
- CABI Publishing UK and USA
- 2002

هزینه‌های تولید این صنایع افزایش یافت و سرمایه‌گذاران خارجی دیگر تمایل به سرمایه‌گذاری نداشتند. یکی از گزینه‌های توسعه در این کشورها، خصوصاً در کشورهای جنوب غربی آسیا و صحرای آفریقای جنوبی توسعه بخش کشاورزی طی دوره ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود. سیاستهایی مانند انحصار دولت بر عرضه داده‌های کشاورزی و بازار ستانده‌های کشاورزی و کنترل قیمت‌های داخلی محصولات کشاورزی. برنامه‌های تعدیل ساختاری این کشورها طی دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ اجرا شد و معیارهای تجارت آزاد طی دهه دوم ۱۹۹۰ زمانی که این کشورها به دنبال عضویت در WTO بودند، اعمال شد. در این دهه از طریق آزادسازی تجاری تدریجی، خصوصی‌سازی، واقعی کردن نرخ ارز و حذف مقررات و قوانین و انحصاراتی که تجارت آزاد را محدود می‌کرد، قدرت بیشتری به نیروی بازار داده شد.

بخش دوم تحت عنوان «جهانی شدن، اصلاحات سیاستی و بخش کشاورزی: چشم انداز کشورهای در حال توسعه» شامل پنج فصل است که در هر فصل اثرات تغییر در سیستم تجارت جهانی بر اصلاحات اقتصادی و بخش کشاورزی یکی از کشورهای چین، هند، غنا، کنیا و کامرون بررسی شده است. به طور نمونه به خلاصه چند فصل در این بخش اشاره می‌شود.

در فصل دوم هانگ اثر فرآیند آزاد سازی تجاری در چین را بر تولید کشاورزی، قیمت‌ها، اشتغال و درآمد کشاورزان بررسی می‌کند. تحلیل انجام شده در این مقاله نشان می‌دهد که گرایش به سمت تجارت آزاد قیمت اکثر محصولات (به جز برنج) را کاهش داده و تولیدات به دلیل واردات ارزان قیمت کاهش یافته است. این در حالی است که قیمت و صادرات تولیدات دامی و باغی افزایش یافته است. نتایج حاصله با الگوی تجارت مطلوب چین هماهنگ است زیرا که این کشور با توجه به وفور منابع داخلی، صادر کننده خالص تولیدات کشاورزی کاربر شبیه تولیدات باغبانی و دامی و فرآوری مواد غذایی و در مقابل وارد کننده محصولات زمین پر مانند کتان، غلات و دانه‌های روغنی است. در این شرایط تولید کنندگان کشاورزی در صدد هستند تا با تغییر در سیستم تولید و نوع تولید در رقابت با محصولات مشابه موفق بوده و از این

شواهد تجربی در برخی از کشورهای در حال توسعه (که جمعیت عمده جهان به ویژه جمعیت روستایی را در خود جای داده‌اند)، نشان می‌دهد که نه تنها از جهانی شدن نفعی نصیب این کشورها نشده است که زیان هم دیده‌اند. شواهد موجود در این کتاب نیز نشان می‌دهد که جهانی شدن ضرورتاً باعث افزایش رفاه و بهبود وضعیت کشورهای در حال توسعه نمی‌شود. زیرا این کشورها برای استفاده از بازارهای جدید در جهان، دچار مشکلات ساختاری و محدودیتهای مهارتی‌اند و نیاز شدیدی به کاهش این تنگناها، نهادسازی مناسب و سیاستهای مؤثر و کارا در این زمینه وجود دارد.

«جهانی شدن و کشورهای در حال توسعه» تحلیلی از موضوعات کشاورزی و توسعه روستایی در مواجهه با جهانی شدن، آزادسازی، اصلاحات تجاری و موضوعات جدیدی همچون مالکیت معنوی و استانداردهای سلامت مواد غذایی ارائه می‌دهد. کتاب مشتمل بر چهار بخش است. بخش اول زیر عنوان «جهانی شدن از منظر جنوب» که تنها فصل اول (نقاط قوت و ضعف جهانی شدن برای کشورهای در حال توسعه) را دربرمی‌گیرد، ضمن ارائه پیشینه‌ای از تجربیات کشورهای مختلف به مرور استراتژیهای توسعه با تمرکز بر بخش کشاورزی می‌پردازد. به علاوه در این بخش به منافع جهانی شدن برای کشورهای در حال توسعه و استراتژیهای تجاری ارائه شده توسط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در طول دهه ۱۹۶۰ به طور اجمالی تشریح می‌شود. لب کلام در این بخش این است که فرآیندهای جهانی شدن، اصلاحات و آزادسازی تجاری با تعدیل در بازار همراه است. کشور در حال توسعه‌ای که با فراوانی نیروی کار روبه‌رو است زمانی در تجارت جهانی نفع می‌برد که استراتژی نگاه به بیرون داشته باشد.

کشورهای آمریکای لاتین، جنوب صحرای آفریقا و جنوب آسیا در فرآیند این اصلاحات در طول دهه ۱۹۸۰ بر صنایع سرمایه‌بر تمرکز داشتند و واردات اولیه را از طریق تعرفه‌های بالا کنترل کردند. علیرغم این حمایت، این کشورها در دهه ۱۹۹۰ که با کاهش شدید هزینه حمل و نقل و فشار سیاست تجارت آزاد روبه‌رو شدند،

کشور در حال توسعه ای که با فراوانی نیروی کار روبه‌رو است زمانی در تجارت جهانی نفع می‌برد که استراتژی نگاه به بیرون داشته باشد

تحقیقات در کارائیب کلید اصلی توانمندسازی کشاورزان در انتخاب محصولات جدید و تکنولوژیهای مناسب جدید است

طریق از کاهش درآمد خود جلوگیری کنند. در این فرآیند، کشاورزان در طول دوره انتقال، به حمایت‌های دولتی نیاز دارند تا آنها را در انتخاب محصولات جانشین و تغییر سیستم تولید یاری دهد.

در فصل سوم مشخص می‌شود که اصلاح سیاست‌های تجاری در هندوستان اثرات متفاوتی برحسب مناطق جغرافیایی بر مردم داشته است. بخشی از تغییرات اقتصادی شامل کاهش شدید یارانه‌های دولتی طی دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ و تبدیل استراتژی جانشینی واردات به تولید کالاهای صادراتی در بازارهای شرقی و محلی بود. در مناطقی

از کشور که به مراکز شهری نزدیک بودند کشاورزان سریعاً سیستم کشتشان را با تقاضای بازار داخلی و خارجی تعدیل کردند و از این طریق اثرات منفی کاهش یارانه‌ها را جبران نموده و درآمدشان را افزایش دادند. در مناطق دیگر که امکان جانشینی تولید محدود بود کشاورزان قادر به تعدیل سیستم تولید خود نبوده و از این رو زیانهای زیادی را تحمل می‌کردند. چرا که از یک سو با کاهش یا حذف یارانه‌های تولیدی مواجه بودند و از سوی دیگر منابع و محدودیتهای اعتباری برای خرده کشاورزان محدود بوده و از این رو با کمبود منابع برای تغییر سیستم تولیدی شان مواجه شدند.

در فصل پنجم نویسنده به بررسی اصلاحات در کنیا پرداخته و تأکید دارد که این اصلاحات در نتیجه فشارهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بوده است. این اصلاحات شامل حذف کنترل قیمت‌ها، آزادسازی تجاری و حذف سایر کنترل‌ها است. این اصلاحات به تولیدکنندگان کشاورزی صدمه زیادی وارد نمود. آزادسازی تجاری باعث ورود ارزان قیمت مواد غذایی، برنج، گندم و شکر شد و ورشکستگی صنعت کتان را به دلیل واردات ارزان نساجی نیز به همراه داشت. تردید تولیدکنندگان کشاورزی، فرآوری کنندگان (صنایع تبدیلی) و تجار و از سوی دیگر ناسازگاری سیاست‌های دولت مانع سرمایه‌گذاری و کاهش تعدیلات شد که در نتیجه آن، مناطق روستایی افزایش فقر را تجربه کردند.

بخش سوم شامل فصول هفتم تا دهم به بررسی تغییر قواعد و قوانین تجارت جهانی و اثر آن بر بخش کشاورزی و تحقیقات آن می‌پردازد و بخش چهارم نیز تحت عنوان نقش تحقیقات کشاورزی دولتی بر ضرورت تغییراتی در روش اجرایی تحقیقات مذکور تأکید دارد و شامل پنج فصل است. فصل یازدهم، تنوع تولید و صادرات کشاورزی در آفریقا، را بررسی می‌کند و موضوع فصل دوازدهم چالش‌های موجود در قفقاز است. در این فصل کنترل شرکت‌های دولتی بر اقتصاد بررسی می‌شود. اگرچه خصوصی سازی در تعدادی از مزارع ایالتی باعث تغییرات بزرگی در قیمت‌ها با توجه به حذف یارانه‌های ایالتی شده اما از سوی دیگر بازارهای سنتی روند تغییرات در بخش کشاورزی را با کندی مواجه ساخته است. در حال حاضر رشد سریع کشاورزی در برخی از مزارع خانوادگی قابل مشاهده است اما برخی از این مزارع با کمبود ماشین آلات روبرو هستند که این امر باعث می‌شود تولید در مقیاس کوچک بوده و بازدهی کم باشد.

در فصل چهاردهم و پانزدهم به پیشینه سیاست‌های اصلاحی و تغییر در روابط تجاری که نتیجه توافقات تجاری چند جانبه است اشاره دارد. بعد از بحران بدهی دهه ۱۹۸۰ کشورهای کارائیب به تدریج سیاست جانشینی واردات را کنار گذاشته و استراتژی رشد صادرات و نگاه به بیرون را با هدف برقراری ارتباط قوی با بازارهای

جهانی به کار گرفتند. بخش دولتی کوچک شد و بخش خصوصی نیز در زمینه‌هایی که کشور دارای مزیت رقابتی بود به سرمایه‌گذاری و تولید پرداخت. آزادسازی تجاری و کاهش میزان حمایت باعث ورود ارزان قیمت برنج، لوبیا، برخی سبزیجات، گندم و ذرت از آمریکا و کانادا شد که این فرآیند باعث خروج برخی کشاورزان از جریان تولید شد به خصوص آنهایی که هنوز روش‌های سنتی تولید را به کار گرفته و بازده کمی داشتند. آزادسازی تجاری، افزایش واردات محصولات غذایی و کاهش درآمد کشاورزان را به دنبال داشت. روند کند تغییرات سیستم تولید کشاورزی از سنتی به

صنعتی و صادرات برخی محصولات مانند سویا، گوشت، سبزیجات، ریشه‌های خوراکی و گل‌های شاخه بریده به بازارهای اروپایی و آمریکای شمالی این اجازه را به کشاورزان داده است که درآمدشان را با استفاده از مزیت‌های تجاری در بازارهای محلی و ناحیه‌ای به دست آورند. نویسنده در این مقاله همچنین تأکید بر این دارد که تحقیقات در کارائیب کلید اصلی توانمندسازی کشاورزان در انتخاب محصولات جدید و تکنولوژیهای مناسب جدید است.

درسهای آموزنده از این کتاب را می‌توان در چند نکته مهم خلاصه نمود:

۱. جهانی شدن، اصلاحات تجاری و خصوصی سازی فرایندی است که به برنامه‌ریزی کوتاه مدت و بلندمدت و اجرایی نمودن این برنامه‌ها نیاز دارد.
۲. جهانی شدن، اصلاحات تجاری و خصوصی سازی دارای اثرات مثبت و منفی است که می‌توان در افق زمانی و برنامه‌ریزی مناسب اثرات منفی را کاهش و اثرات مثبت را تقویت نمود.
۳. جهانی شدن، اصلاحات تجاری و خصوصی سازی نیاز به زمان داشته و تدریجی است و به یکباره و یک شبه حاصل نمی‌شود. به عبارت دیگر هر فرآیند مراحل و گام‌هایی دارد که برای دستیابی به موفقیت باید همه مراحل را طی نمود. تجربه نشان داده است که این فرآیند معمولاً دو دهه به طول می‌انجامد.
۴. قابل توجه است که مشکلات ساختاری و زیربنایی اقتصاد، سیستم تولید سنتی، کمبود مهارت‌ها، و فقدان تکنولوژی جدید، اثرات منفی جهانی شدن، اصلاحات تجاری و خصوصی سازی را افزایش می‌دهد و لازم است قبل از اجرای این فرآیندها این مشکلات کاهش یابد.
۵. در فرآیند جهانی شدن و اصلاحات تجاری، سیستم تولید تغییر می‌کند و این تغییر در کشورهای در حال توسعه زمانی مناسب و کارا است که حاصل تحقیقات و مطالعات در بخش کشاورزی باشد. در واقع تشخیص محصولات دارای مزیت رقابتی در بازارهای محلی و منطقه‌ای و جهانی، نوع تکنولوژی مناسب الگوی تولید... همه از طریق بخش تحقیقات خصوصاً تحقیقات دولتی امکان‌پذیر است و توجه به این مهم نقش دولت را در تقویت جنبه‌های مثبت جهانی شدن به تصویر می‌کشد.
۶. در فرآیند جهانی شدن و آزادسازی تجاری، استانداردهای غذایی و سلامت از اهمیت خاصی برخوردار است و الزاماتی را به وجود می‌آورد که تولید کنندگان باید آنها را رعایت کنند، در غیر این صورت مجموعه استانداردهای سلامت مواد غذایی مانند محدودیتهای تجاری عمل نموده و مانع صادرات محصولاتی می‌شود که این استانداردها را رعایت ننموده‌اند. از این رو کشور صادر کننده اگرچه در فرآیند جهانی شدن و آزادسازی تجاری قرار گرفته است اما از منافع آن سودی نصیب نمی‌شود.